نگاه

لالیگا
پرتب و تاب مانند همیشه

گابریل مارکوتی
ترجمه: سهیل نوری پناه

بر روی کاغذ، همان کلیشه قدیمی رنگ و بوی تکرار به خود دیده است: «قدرتمندها، قدرتمندتر شده‌اند.» لالیگا، که حال از دل خود، قهرمان لیگ اروپا و نیز جام یوفا را می‌بیند، در تابستان چندان ستاره‌های تثبیت‌شده‌اش را- جز زین‌الدین زیدان و هنریک لارسن که خود را از سطح اول فوتبال اروپا دور ساختند- جدا شده نیافت، و در عوض با اغوا ساختن چندین و چند ستاره بین‌المللی تنور خود را گرم‌تر و جوشان‌تر یافته است. رقابت‌های لالیگا از شنبه آغاز می‌شود و بارسلونا که اکنون خود را در قهرمانی به سبب موفقیت در لالیگا و لیگ قهرمانان اروپا «یک قهرمان دوگانه» می‌یابد، مدعی درجه اول قهرمانی است. فرانک رایکارد سرمربی این تیم یک نمونه کامل و آرمانی از مردی است که آرام‌آرام و سال به سال بار قدرت و توانایی مجموعه‌اش را افزایش می‌دهد. او به همان دقتی که تلاش می‌کند تا یک گروه تثبیت‌شده برای خود مهیا کند، هر سال نیز با افزودن یکی، دو ستاره پرآوازه و باقابلیت، توان فنی تیمش را افزایش می‌دهد. او در این تابستان سه بازیکن به خدمت گرفت. بهتر است عیار فنی‌شان را با خریدهای دو تابستان گذشته مقایسه کنیم: ایدور گودیانسن فوتبالیست اسبق چلسی و به علاوه دو پناهنده از فوتبال پرتلاطم ایتالیا یعنی جیان لوکا زامبروتا و لیلین تورام. و چنین انگاره‌ای بی‌درنگ به ذهن هر مخاطبی خطور خواهد کرد وقتی بدانیم، زوج یوونتوسی وقتی باشگاهشان را سقوط کرده به دسته دوم یافتند و متعاقب آن بدل به بازیکنانی با انتخاب آزاد شدند، موفق شدند به این سادگی به نوکمپ ملحق شوند. بار دیگر برای آخرین بار بارسلونا، آنچه که بدان محتاج بود را ایجاد تغییراتی در کالبد تیمی‌اش تلقی کرد. زامبروتا و تورام بی‌تردید به دیواره دفاعی کاتالان‌ها سیمایی دگرگون یافته می‌بخشند و به روح آن طبیعت «چندقابلیت بودن» می‌دمند. آنچه که این تیم در فصل گذشته در پاره‌ای از اوقات متزلزل و گسستنی نشان می‌داد. پتانسیل خط میانی، آن‌طور که به چشم می‌آید، حال با رهایی ژاوی هرناندز از چنگال مصدومیت نیرومندتر خواهد شد. خط حمله این تیم نیز با حضور ساموئل، رونالدینیو و لیونل مسی به همان قدرتی است که با نگاه اول جلب نظر می‌کند. حقیقتاً شکست لاپورتا در پروژه اغوا ساختن تیری آنری برای حضور در نوکمپ، در طبیعت خود چیزی فراتر از یک «توفیق اجباری» بود. چه آنکه مشخص نبود اگر چنین تجارتی رنگ و سیمای حقیقت به خود می‌یافت، رایکارد چگونه می‌توانست «این» چهار فوق ستاره فوتبال را کنار هم جای دهد؟

دشمن دیرآشنای کاتالان‌ها، رئال‌مادرید، برای حقیقت بخشیدن به آرزوها و اهداف خود، تمام امور را در اختیار «فابیو کاپلو»ای سپرده است که پس از ۹ سال که این تیم را قهرمان لالیگا نمود، بار دیگر به مادرید بازگشته است. پیشینه کاپلو در قهرمانی، حیرت‌انگیز است. در ۱۴ فصل اخیر او در ۹ فصل، باشگاه‌های تحت هدایت خود را به قهرمانی در لیگ‌های باشگاهی سوق داده است. اما به نظر می‌رسد، این‌بار در مسیر موفقیت، با مصائب فراوانی دست به گریبان خواهد بود. مادرید به سبب عزل و نصب‌های بی‌پایانش در فصول اخیر و بازیکن‌های منتخب هر مربی در هر برهه‌ای با یک مجموعه لبالب و لبریز شده از فوتبالیست‌های پرآوازه سر و کار دارد. و اگر کاپلو نتواند از تعدادی از آنها استفاده بهینه‌ای داشته باشد آنها با تعدادی فوتبالیست در حد کلاس جهانی و با دستمزدهای سرگیجه‌آور، اما مایوس و بی‌اثر روبه‌رو خواهند شد. رویکرد نخست و اولویت او در بدو حضورش در مادرید استحکام بخشیدن به برنامه‌های تدافعی این تیم- که با خرید فوتبالیست‌هایی بسان کاناوارو، امرسون و محمدو دیارا صورت گرفت- و نیز افزایش توان هجومی مادرید که با به خدمت‌گیری یک گلزن تمام‌عیار و بالفطره صورت پذیرفت، بود. ترافیک خط حمله مادرید سرگیجه‌آور است. با حضور فان‌نیستلروی، حال باید در انتظار رقابتی تمام‌عیار میان رائول، رونالدو، آنتونیو کاسانو، روبینیو و خولیو باپتیستا نشست. آنچه که جالب و تماشایی می‌نماید، این است که رویکرد رائول و روبرتو کارلوس قدیمی‌ترین فوتبالیست‌های مادرید در مواجهه با مواضع دقیق و خشک فابیو کاپلو چه خواهد بود. ۹ سال پیش، زمانی که آنها جویای نام و تشنه یادگیری بودند، کلمه به کلمه دستوارت کاپلو را اجرا می‌کردند. اما اکنون شرایط آنها به کلی با گذشته متفاوت است. در زمره اسطوره‌ها و فوتبالیست‌های کهنه‌کار مادرید محسوب می‌شوند و در باشگاه از نفوذ چشمگیر و قابل توجهی بهره می‌برند. و این خود، داستان دیگری به دنبال دارد. در این مجموعه، دو کهکشانی که دیگر کم‌نور و فروغ شده‌اند، نیز جلب نظر می‌کنند. رونالدو و دیوید بکام... مصائب و چالش‌های این دو نیز در طبیعت خود، جالب است. اولی که خشمگین و مایوس از انتقاد متوقف نشدنی رسانه‌ها از افزایش وزنش و دومی نیز که قراردادهای سنگین و شگفت‌آورش با باشگاه، سوژه همیشگی مطبوعات است. حال سئوال کلیدی این است: «کاپلو چگونه می‌تواند این دو ستاره را که از منظر اقتصادی نیز سود سرشاری به مجموعه خواهند بخشید، اداره کند؟»

خبر نه‌چندان دلپذیر و ناامیدکننده برای کاپلو این است که کم‌کم «ماه‌عسل» رومن کالدرون، مردی که با تبلیغات بسیار و با وعده اغوا ساختن ستاره‌هایی چون کاکا، کریستیانو رونالدو و آرین روبن برای حضور در مادرید خود را مطرح ساخته بود، رو به اتمام است. اما او در این مدت جز ناکامی در واقعیت بخشیدن به چنین اهدافی، بهره دیگر به مادرید نبخشیده است. حتی رادیکال‌ها پا را فراتر نهاده‌اند و مدعی هستند او باید هر چه زودتر به سبب عدم توانایی در عملی ساختن وعده‌هایش استعفا دهد. آنچه که مبرهن و آشکار جلب نظر می‌کند این است که کالدرون و این مجموعه زیر فشار طاقت فرسایی باید لیگ را آغاز کنند.

بارسا قهرمان سوپرجام اسپانیا

اولین قهرمانی در فصل جدید

ترجمه: سید محمد حسینی

بارسلونا از همان ابتدای کار تکلیف را مشخص کرد و با شکست دادن اسپانیول، اولین از شش عنوانی را که در این فصل می‌خواهد، در کلکسیون افتخارات خود گذاشت و آن جامی نیست جز سوپرجام باشگاه‌های اسپانیا و بارسا آن را فصل گذشته پس از شکست بتیس برد و این‌بار بردنش به آنها این اجازه را می‌دهد که در رنکینگ با رئال مادرید برابری کنند: هفت به هفت مساوی. در ادامه، جمعه همین هفته، حتی قبل از اینکه فصل شروع شود، آبی اناری‌پوش‌ها سودای دومین عنوان قهرمانی را در سر دارند و این یکی سوپرجام باشگاه‌های اروپا است که برای رسیدن به آن باید از سد سویل بگذرند، که پیش از این دیدار، در مقابل بایرن مونیخ در استادیوم گامپر صف‌آرایی خواهند کرد. اوضاع بدین شکل که وصف آن آمد در خانه قهرمان آخرین لالیگا و آخرین جام قهرمانان می‌گذرد، قبل از اینکه بازی‌های جام‌های جدید شروع شده باشند.

در یک بازی با چنین سطح بالایی، روز یکشنبه تفاوت اساسی میان بارسلونا و اسپانیول پدیدار شد و همانطور که حدس زده می‌شد تیم قهرمان از همان ابتدا در همه زمینه‌ها از حریف پیشی گرفت. ترکیب سرمربی هلندی بارسا پس از زده شدن سوت شروع بازی کارگر افتاد و گلوی اسپانیولی را فشرد که رنگ ترس در رخسارش نمایان بود، تئاتری که فرانک رایکارد در ۱۲ دقیقه اول با حضور خُرکرا روی صحنه برد به عنوان بست سلر (پرفروش‌ترین، موفق‌ترین) دست یافت. در اَسپانیول، بالبرده سرمربی تصمیم گرفت از مثلث همیشگی خود صرف نظر کند و در یک سوم این تصمیم مقصر نبود: تامودو با پایی مصدوم از خانه بازی را می‌دید. لوئیس گارسیا و دلا پنیا نیمکت‌نشین بودند، در حقیقت اسپانیول پایه‌های سه پایه‌ای را برید که در فینال روز یکشنبه می‌خواست رویش بایستد. اما بارسلونا - به استثنای خُرکرا - با ترکیبی برنده به میدان آمد که درس‌اش را فوت آب بود، این بازیکنان از همان ابتدا با انگیزه و تشنه پیروزی ظاهر شدند و در دقیقه دوم بازی با ضربه سر ژابی که در حرکت استادانه رونالدینیو ظاهر شد گل اول را به ثمر رساندند، رونالدینیو قبل از دست زدن به این جادوگری، حسابی آرامش سانچز، هافبک وسط اسپانیول، را برهم زده بود. ژابی، اهل تراسا، در فصل گذشته حتی یک گل نزده ولی در دومین دقیقه دومین بازی خود معمای هنوز نامعلوم بازی را حل کرد، سابالتا بدترین کابوس‌های کاری خود را در حال محقق شدن دید، که تبدیل به حقیقت نیز شد چون بارسا جشنواره‌ای را به راه انداخت که بازیکنان اسپانیول برای دیدن نحوه تعویض منطقه بازی نیاز به دیدن آنها از طریق دور کند یک دستگاه ویدئو داشتند. در یکی از این چشم‌بندی‌ها دکو در دقیقه ۱۲ گلی را زد که مولود پاسکاری تک‌ضرب ژابی و بِیتی بود، بیتی با استارت انفجاری در جناح خود و پشت سر گذاشتن سابالتا، پاس مرگ‌آور را به دکو داد. چهره سابالتا بعد از به ثمر نشستن این گل دیدنی بود. در حقیقت اسپانیول دروازه‌اش را در سینی زرین به بارسا تقدیم کرد و در عوض مزه شکست را از همان اول در خط دفاعی‌اش چشید، تعویض جای سابالتا از چپ و گذاشتن سانچز (هافبک وسط) در راست قدرت همپوشی آنها را به هم زد و بارسلونا تیمی نیست که از اینگونه پوئن‌هایی که حریف بدهد بگذرد، به کدام نشان؟ به همان نشانی که در ظرف یک ربع ساعت، مسابقه برنده‌اش را و سوپرجام صاحبش را شناخت. کمر سپیداری (سپیدار، لقب اسپانیول) که در ذهن تجسم کرده بودیم در همان نیمه اول شکست. بدتر اینکه کسی نبود خُرکرا را یارگیری نماید؛ خرکرایی که قبل از بازی جایگزین والدس شده بود. پاندینی تک و تنها فرصتی برای تفنگ (لقب این بازیکن) بودن نیافت و دلیل آن این بود که بالبرده، دلا پنیا و لوئیس گارسیا را کنار نهاده بود. از این حرف‌ها گذشته فکر این سرمربی در رویارویی با بارسا با یک هافبک وسط تهاجمی نه فقط به او کمکی نکرد بلکه قدرت هجومی‌اش را نیز به هدر داد. نیمه اول یک مونولوگ یکطرفه تهاجمی به نفع بارسلونا بود که لیونل مسی در آن بر سابالتا سری داشت و رونالدینیو نیز خلاقیت‌های گذشته‌اش را دوباره به منصه ظهور می‌رساند. فقط جای اتوئو خالی بود. در مقابل، اسپانیول ضعیف که در سنگرش زمین‌گیر شده بود، بیهوده سعی می‌کرد گلوله‌های سواره‌نظام آبی اناری را دفع کند. ادواردو کوستا و پاندینی همه کاری کردند، حتی دست به خشونت بردند، کوستا بینی مسی را مجروح کرد که در این زمان استراحت بین دو نیمه رسید. در نیمه دوم، جایگیری آنها (اسپانیول) بهتر شد و باعث شد که رایکارد نیز متقابلاً جای بازیکنانش را عوض کند. تورام و گودیانسن به میدان آمدند و جنگیدند ولی تورام کاری در حد درخشش نکرد رونالدینیو کوتاه آمد و میدان را برای هنرنمایی او خالی کرد و او نیز با یک گل تماشایی، حسن ختام خوبی به گلزنی داد. این فصل رایکارد دوباره دست به برقراری خط دوم مهاجمین در تیم زده که فرق بارسا با مهمترین حریفش، رئال مادرید است. رئال از دیارا و امرسون استفاده می‌کند. بازی بارسا چنان بود که اسپانیولی‌ها نتوانستند از خونریزی‌های مرگبار خود جان به در برند.

منبع: AS , SPORT

رایکارد، وفادار به سبک خود

آلبرت فرر*

در طرح‌ریزی استراتژی بازی، فرانک رایکارد به سبک خودش وفادار بود. سرمربی بارسا آدمی نیست که وقتی وسیله‌ای، روشی یا بازیکنی در کار جواب می‌دهد، آن را عوض کند و دیروز نیز به ترکیب تیمی که چندین موفقیت برایش به ارمغان آورده دوباره اعتماد کرد، دوباره در ابتدا تازه‌واردها را روی نیمکت نشاند و کم‌کم در مناسب‌ترین لحظه به آنها میدان داد. این رفتار مناسبی است چون نه کسی فکر می‌کند بازیکن ذخیره است و نه کسی این برایش مشتبه می‌شود که ستاره‌ای بی‌بدیل است. در جای خود، بالبرده (سرمربی اسپانیول) نیز کسی نیست که فکر کند چون بازی رفت را یک بر صفر به حریف واگذار کرده، بازی دوم را نیز از دست خواهد داد، اما این را که او از محافظه‌کارانه‌ترین روش در چیدمان تیمش استفاده کرد نیز نمی‌توان منکر شد. اسپانیول تنها یک روش بازی دادن بارسا دارد و آن روشی است که در نیم‌ساعت اول بازی رفت به اجرا گذاشت؛ خطوطی به‌هم چسبیده و پرسینگ بسیار بالا. یکشنبه شب اسپانیول مثل پنجشنبه شب یکپارچه نبود و بارسلونا از این فرصت برای فشردن روی پدال گاز و خراب کردن هرگونه تلاش علیه خودش از طرف حریف نهایت استفاده را برد. بارسا بسیار به ندرت با حریفانی رودررو می‌شود که در دو خط چهار نفره است می‌شوند و فضای کمی را برای مهاجمان باقی می‌گذارند؛ این درست همان لحظه مناسب برای منفجر کردن خط دوم است که کار دکو و ژابی درس خوبی برای این مورد بود. خودشان دو نفر زننده سه گل بودند و خب با استفاده از نقطه ضعف حریف نظم هافبک‌های اسپانیول را در یارگیری در نزدیکی محوطه جریمه به‌هم ریختند. بهترین دلیل آن، گل ژابی است؛ در آن صحنه کوستا، پشت به توپ در حال یارگیری او است. بارسلونا از ابتدا شروع به کشتن حریف و بردن جنگ کرد. آنها به‌خوبی از این نکته آگاه بودند که با توجه به برد یک بر صفر بازی رفت، زدن یک گل در ابتدای بازی برگشت انگیزه کلی اقدامات تیم حریف را در نطفه خفه خواهد کرد. از دقیقه دو به بعد اسپانیول این بار را بر دوش می‌کشید. بارسا و اسپانیول هریک با روش متفاوتی با پیش‌فصل برخورد می‌کنند. اسپانیول نمی‌تواند از این شکست نتیجه‌ای را استنتاج کند. بازی مقابل بارسا خیلی سخت است، در عوض برای بارسا پیام مسابقه این است که سرعت بارسا نه در پاهای بازیکنانش بلکه در مغز و استعداد آنها است، کسی که بیشتر می‌دود آنها نیستند اما یقیناً آنهایند که سریع‌تر فوتبال بازی می‌کنند.

* بازیکن سابق بارسلونا و چلسی

گفت‌وگوی با جووانی تراپاتونی مربی سالزبورگ

تصمیم نهایی را من می‌گیرم

الیزابت شلامرل
ترجمه: علی بوذری

جووانی تراپاتونی همراه ردبول سالزبورگ در یک‌قدمی حضور در مسابقات لیگ قهرمانان اروپا قرار دارد. مربی اسبق تیم ملی فوتبال ایتالیا در این راه لوتار ماتئوس معروف را نیز به عنوان دستیار در کنار خود دارد. در مصاحبه با روزنامه فرانکفورتر آلگماینه، تراپاتونی از وظایف جدیدش در اتریش و رابطه خود با کمک‌مربی تیم صحبت کرده است.

■■■

■تیم ردبول سالزبورگ در بازی برابر والنسیا برای اولین بار این شانس را پیدا کرد که به مسابقات لیگ قهرمانان اروپا راه پیدا کند. فکر می‌کنید چه چیزی بعد از بازی رفت دو تیم که با نتیجه یک بر صفر به نفع شما تمام شد باعث شد که این فرصت را پیدا کنید تا به مهمترین مسابقات باشگاهی اروپا راه پیدا کند؟

ما تیم بسیار خوبی داریم که کارایی خوبی هم دارد. علاوه بر آن بازیکنان زیادی با تجربه بین‌المللی در اختیار داریم که می‌توانند در چنین موقعیت‌هایی به خوبی کار کنند.

■ سالزبورگ یک قدم به هدف میان‌مدت دیتریش ماتشیتس، مدیر عامل باشگاه، نزدیک‌تر می‌شود. او می‌خواهد تیم سالزبورگ جزء ده، پانزده تیم برتر باشگاهی اروپا باشد. آیا این هدف منطقی است؟

هر کاری امکان‌پذیر است، شما فقط باید از کارتان مطمئن باشید. وقتی چند ماه پیش به اینجا آمدم، خبرنگاران اتریشی از من پرسیدند چرا بین این همه کشور اتریش را انتخاب کردم. قبل از آمدنم به اینجا فقط نام دیتریش ماتشیتس را می‌شناختم ولی در عین حال می‌دانستم که او اهداف بزرگی در سر دارد. از برنامه‌های او خیلی خوشم آمد. ولی اگر شما بخواهید تیمی را بسازید که بتواند در سطح بین‌المللی حرفی برای گفتن داشته باشد، به زمان نیاز دارید. اگر صبر داشته باشید می‌توانید در اتریش هم به این هدف برسید.

■پروژه سالزبورگ برای شما با موفقیت آغاز شد درست برخلاف شروع در تیم اشتوتگارت که سال گذشته آن را رهبری می‌کردید. در آنجا از ابتدا از شما انتقاد می‌شد و در نهایت پیش از شروع دور برگشت بوندس‌لیگا شما را از کار برکنار کردند. در اشتوتگارت چه مشکلی داشتید؟

فکر می‌کنم آنها خیلی بی‌صبر بودند. وقتی تیمی شش بازیکن مهم را می‌فروشد نمی‌توان از امروز به فردا تیم را درست کرد. در حالی که وقتی من از تیم رفتم هنوز شانس زیادی برای رسیدن به جام یوفا داشتیم. در پایان فصل اشتوتگارت نهم شد.

■فوتبال اتریش در آلمان از اعتبار بالایی برخوردار نیست. آیا این طرز تفکر درست است؟

لیگ کشور سوئیس هم از اعتبار و سطح بالایی برخوردار نیست ولی تیم ملی آنها در جام جهانی نشان داد که می‌توان به نتایج خوبی هم دست یافت. در لیگ اتریش مانند دیگر لیگ‌ها منابع مالی وجود ندارد و مشخص است که بهترین بازیکنان این لیگ به جایی می‌روند که بتوانند درآمد بهتری داشته باشند.

■خیلی از طرفداران تیم سالزبورگ دیگر تیم خود را نمی‌شناسند، چرا که تقریباً دیگر هیچ بازیکن اتریشی‌ای در این تیم حضور ندارد.

ما مجبور هستیم برنده شویم و برای رسیدن به اهداف‌مان زیر فشار زیادی هستیم و برای همین هم نمی‌توانم به این‌گونه مسائل توجه کنم. امروزه باید بین‌المللی فکر کرد.

■شما با انتخاب لوتار ماتئوس یک کمک‌مربی معروف را انتخاب کردید. وظایف شما چیست و ماتئوس باید چه کاری انجام دهد؟

بسیار ساده است: فقط یک رئیس وجود دارد. تصمیم نهایی را من می‌گیرم و چنانچه موفق نشوم مسئولیت آن را هم به عهده خواهم گرفت. اگر هم کسی اخراج شود آن شخص من هستم نه لوتار. او در کار روزمره در زمین کنار من خواهد بود. در انتخاب بازیکنان جدید هم او به من کمک زیادی کرد. او بازیکنان زیادی را می‌شناخت و می‌دانست که کدام بازیکن برای کار ما مفیدتر است.

■آیا برای ماتئوس سخت نیست که زیر نظر شما کار کند؟ به هر حال او تا به حال سرمربی بوده و این اولین کار او به عنوان کمک‌مربی است.

فکر نمی‌کنم این کار برای او سخت باشد چرا که می‌تواند خیلی چیزها یاد بگیرد و به تجربه‌اش بیفزاید. فکر می‌کنم که این مقطع می‌تواند برای او بسیار مهم باشد.

■به نظر خیلی‌ها سیستم دفاعی شما منسوخ شده است. ولی در جام جهانی مشخص شد تیم‌هایی که از نظر تاکتیکی منظم‌تر بوده و روی کارهای دفاعی بیشتر کار کرده‌اند موفق‌تر عمل کردند. آیا موفقیت این تیم‌ها تاییدی است برای نظریه شما؟

دفاعی یا هجومی. به نظر من اینها فقط بازی با کلمات است. در آلمان تیم‌ها می‌خواهند هجومی بازی کنند، ولی مهم این است که تیم برنده شود. مهم سازمان‌دهی تیمی و سیستم تیم است نه اینکه تیم شما هجومی بازی کند یا دفاعی. اگر تیم شما نتواند بازی را ببرد به خاطر اینکه مهاجمان شما نمی‌توانند توپ را وارد دروازه کنند، باید سعی کنید حداقل بازی را به تساوی بکشانید و این به معنی این است که باید سعی کنید گل نخورید. البته که طرفداران دوست دارند گل‌های زیادی ببینند ولی این توقع منطقی نیست. در طول یک فصل شاید فقط ۳۰ درصد بازی‌ها زیبا باشند. بازی‌های دیگر بیشتر شبیه به کار سخت هستند.

■فوتبال هر روز بیشتر شبیه به نمایش می‌شود. نقش مربی در سال‌های گذشته و دهه‌های گذشته چه تغییری کرده است؟

نقش مربی بسیار پیچیده‌تر شده است. کار مربی امروزه شبیه به کار یک سرپرست است چرا که بازیکنان بزرگترین سرمایه باشگاه‌ها هستند. در گذشته مربی می‌توانست بازیکن را از تیم براند در حالی که این کار امروزه شدنی نیست. او باید این توانایی را داشته باشد که با سرمایه‌ای که در اختیار دارد به خوبی کار کند و از آن حفاظت کند.

■آیا از این تحول راضی هستید؟

این که فوتبال در فرهنگ‌های مختلف تبدیل به یک تجارت بین‌المللی شده، تحول مثبتی است. ردبول سالزبورگ مثال خوبی برای این ادعا است. در تیم ما بازیکنانی از شش یا هفت کشور دنیا با زبان و فرهنگ فوتبال متفاوت حضور دارند. در اثر نقل و انتقال بازیکنان در تمام دنیا تاکتیک تیم‌ها بسیار به هم نزدیک شده است. البته که سوئد هیچ‌گاه مانند برزیل بازی نخواهد کرد ولی تفاوت‌ها و فاصله‌ها اصلاً دیگر مانند گذشته نیستند.

منبع: Frankfurter Allgemeine Zeitung

نکته

دفاعی یا هجومی. به نظر من اینها فقط بازی با کلمات است. در آلمان تیم‌ها می‌خواهند هجومی بازی کنند، ولی مهم این است که تیم برنده شود. مهم سازمان‌دهی تیمی و سیستم تیم است نه اینکه تیم شما هجومی بازی کند یا دفاعی. اگر تیم شما نتواند بازی را ببرد به خاطر اینکه مهاجمان شما نمی‌توانند توپ را وارد دروازه کنند، باید سعی کنید حداقل بازی را به تساوی بکشانید و این به معنی این است که باید سعی کنید گل نخورید. البته که طرفداران دوست دارند گل‌های زیادی ببینند ولی این توقع منطقی نیست. در طول یک فصل شاید فقط ۳۰ درصد بازی‌ها زیبا باشند. بازی‌های دیگر بیشتر شبیه به کار سخت هستند.

گزارش

رقابت میلان و اینتر بر سر رونالدو

جلسه‌ای برای «پدیده»

اگر امروز چهارشنبه میلان و مادرید به توافق برسند رونالدو همین هفته رئال را ترک می‌کند.

آینده رونالدو امروز چهارشنبه قطعی خواهد شد، دو نفر با ماموریتی از میلان به مادرید سفر خواهند کرد تا در ملاقات با رامون کالدرون و پدیا میاتوویچ پیشنهاد خرید این مهاجم برزیلی را به رئال بدهند.

آریدو برایدا مدیرعامل باشگاه و ارنستو برونزتی کسی که در سال‌های اخیر مذاکرات بین رئال‌مادرید و باشگاه‌های ایتالیایی را انجام داده است، ماموریت بردن فرامین آدریانو گالیانی قائم مقام میلان هستند. با این حال این سفر مشروط بر این است که تیم کارلو آنچلوتی در بازی حذفی روز سه‌شنبه خود در مقابل ستاره سرخ بلگراد روسفید از زمین بیرون آمده و حضورش در لیگ قهرمانان را تثبیت کند و برلوسکونی در مورد این شرط بی‌گذشت است.

برایدا و گالیانی در روزهای اخیر مکرراً به رونالدو تلفن کرده و برایدا برای اینکه شخصاً علاقه میلان را به اطلاع رونالدو برساند، سفری غیرمترقبه به مادرید انجام داده و موافقت رونالدوی مجنون برای بازگشت به ایتالیا را به دست آورده؛ رونالدویی که هیچ‌گاه در اظهارات خودش نگفته می‌خواهد در رئال بماند.

برخلاف آنچه به نظر می‌رسید، رئال از ارتباط این مهاجم برزیلی با مسئولین میلان چندان ناخشنود نیست، برعکس فابیو کاپلو به‌رغم اظهاراتش در مجامع عمومی، رونالدو را نمی‌خواهد و با مذاکرات خروج او از رئال موافقت کرده است. از وقتی که این بازیکن برای آماده‌سازی اختصاصی به منظور شرکت در جام جهانی از آخرین بازی‌های لیگ مرخصی گرفت، می‌شد فهمید قصد تعویض تیم و به نوعی هواخوری دارد. با ایستادن جلوی تیم پزشکی رئال‌مادرید در سپردن زانویش به تیغ جراحی و درست زمانی که تیم در اردوی اتریش بود، باعث این شد که باشگاه مسئله فروش او را بررسی کند. کاپلو می‌گوید او بازیکن متعهدی نیست و به دیسیپلین او تن در نمی‌دهد و به همین دلیل به رامون کالدرون گفته که این بازیکن در برنامه‌های او جایی ندارد. حساب، حساب دودوتا چهارتاست، اگر کسی می‌خواهد برود و شخص دیگری نیز رفتن او را خواستار است، فهمیدن عاقبت کار خیلی سخت نیست. سیلویو برلوسکونی روی خرید او زوم کرده و منتظر این است که میلان از مرحله مقدماتی جام قهرمانان بالا برود تا تلاش‌های همه‌جانبه خود را برای آوردن او شروع کند. رامون کالدرون نیزمنتظر تماس میلان است، انتقال رونالدو به میلان این فرصت را در اختیار کالدرون قرار می‌دهد تا وعده انتخاباتی‌اش را که جز آوردن کاکا به مادرید نیست عملی سازد. او می‌خواهد میلان یا رد و بدل این دو بازیکن را قبول کند یا این را که بعد از سال ۲۰۰۷ کاکا در رئال توپ بزند. کالدرون در صورت موفقیت با خوابانیدن خشم هواداران مادرید، به سود کلانی نیز می‌رسد.

■ برلوسکونی بر خرید او اصرار دارد

او رونالدو را به هر قیمتی که شده می‌خواهد. این مولتی‌میلیونر و مالک چندین شرکت در ایتالیا و نیز چندین باشگاه در منطقه لومباردیا اصلاً دوست ندارد ببیند سایر تیم‌های اروپایی بازار خرید و فروش فوتبالیست‌ها را در دست دارند. او که شوچنکوی اوکراینی برای انتقالش به چلسی وی را در منگنه سختی گذاشت نمی‌تواند قبول کند که ستارگان حال حاضر فوتبال جهان در تیم او نباشند. رفتن شوچنکو به چلسی و نیز رسوایی اخیر میلان در کالچو او را بر سر خشم آورده و حاضر به پرداخت هر مبلغی برای رونالدو است تا بلکه آبی بر این آتش بریزد.

برلوسکونی بعد از اینکه نتوانست با پیشنهاد صدمیلیون یورویی به بارسا، رونالدینیو را به خدمت بگیرد، به گالیانی و برایدا دستور داد از مادرید با دست پر برگشته و رونالدو را همراه خود بیاورند. این موضوع برای او حیاتی است.

■ موراتی نمی‌خواهد رونالدو را در میلان ببیند

ماسیمو موراتی رئیس باشگاه اینترمیلان و دوست شخصی رونالدو چشم دیدن اینکه او با میلان، قوی‌ترین رقیبش، به توافق رسیده را ندارد و نمی‌خواهد دست روی دست بگذارد بلکه قصدش این است که مانع انتقال شود. بعد از خرید زلاتان ابراهیموویچ سوئدی و هرنان کرسپو، از دیدگاه اینتر آدریانو که روابط بسیار تیره‌ای با روبرتو مانچینی دارد نیز بازیکن غیرقابل فروشی نیست. با اینکه در ابتدا موراتی آدریانو را چهل میلیون یورو قیمت گذاری کرده بود، اما اگر مادریدی‌ها رونالدو را بدهند، حاضر به دادن تخفیف اساسی است. بدین شکل با یک تیر دو هدف زده؛ نقشه انتقال او به میلان را نقش بر آب کرده و رویای خود یعنی بازگشت اِل فِنومِنو (پدیده) را به اینتر عملی می‌کند. سفر خیلمار رینالدی، نماینده آدریانو به اسپانیا، باعث گسترش تجارت شده؛ او شنبه را در پالما د مایورکا بود، جایی که اینتر یک بازی دوستانه با تیم گریگوریو مانسانو انجام داد و نیز از ایتالیا خبر می‌رسد که او در چند روز آتی سراغ مسئولین رئال خواهد رفت.

منبع: SPORT